

بسم الله الرحمن الرحيم

1399/12/07

موضوع: برگگی از دفتر مظلومیت های امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

سخنرانی در حرم حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها)

فهرست مطالب این برنامه:

برگی از دفتر مظلومیت های امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

خدمتی از «احمد بن حنبل» به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

وقتی خداوند قدرت خود را در دفاع از امیرالمؤمنین نشان می دهد!

گربه «علامه امینی» از نقل این روایت عجیب!

غبطه «عمر بن خطاب» به عظمت وجودی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

گفتگوی علمی با یک جوان وهابی در کنار خانه خدا

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

تقدیم به پیشگاه مقدس و با عظمت حضرت بقية الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) صلواتی عنایت فرمایید.

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و سپاس دیگر که در چنین روز و شبی به ما توفیق داد در جوار ملکوتی حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و در جمع شما گرامیان عرایضی را تقدیم کنیم.

قبل از آغاز سخن، ولادت نور، ولادت کرامت، ولادت شرافت، ولادت انسانیت، ولادت آنچه را که انسان می‌تواند از او به عنوان شرف و فضیلت یاد کرد را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیه الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداء) و همه علاقه‌مندان به اهل بیت عصمت و طهارت و شما گرامیان تبریک و تهنیت می‌گوییم.

خدا را به ولایت امیرالمؤمنین سوگند می‌دهم عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان حضرت ولی عصر و رفع گرفتاری و قضای حوائج همه ما قرار بدهد ان شاء الله.

در رابطه با امیرالمؤمنین باید اعتراف کنیم سخن گفتن در رابطه با کسی که رسول گرامی اسلام فرمود: علی جان! تو را نشناخت جز خدا و من، و مرا نشناخت جز خدا و تو، و خدا را نشناخت جز من و تو، بسیار دشوار است.

برگی از دفتر مظلومیت های امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

در رابطه با امیرالمؤمنین امشب می‌خواهم چند نکته‌ای را در محضر بی بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و در جمع شما گرامیان عرض کنم، باشد که ذخیره‌ای برای شب اول قبر و قیامت ما باشد.

در رابطه با فضائل امیرالمؤمنین آنچه که ما در کتب شیعه و اهل سنت می‌بینیم، در حقیقت قطره‌ای از اقیانوس فضائل امیرالمؤمنین است.

از همان آغاز که بنی امیه بر جامعه اسلامی مسلط شدند تلاش کردند با تمام توان، نه تنها جلوی نقل فضائل علی بن ابی طالب را بگیرند، بلکه دستور دادند بر بالای منابر به امیرالمؤمنین سب و لعن و ناسزا بگویند.

امام شافعی رئیس مذهب شافعی‌ها تعبیری دارد. افرادی از «امام شافعی» سؤال کردند:

«ما تقول فی علی؟»

نظر شما در رابطه با علی چیست؟

«فقال وماذا أقول فی رجل أخفت أولیاؤه فضائله خوفا وأخفت أعداؤه فضائله حسدا»

شافعی گفت: درباره مردی سخن می‌گویید که دوستانش از روی ترس نتوانستند فضائل او را نقل کنند و دشمنانش از روی حسد فضائل او را مخفی کردند.

«وشاع من بین ذین ما ملأ الخافین»

با همه این احوالات فضائل علی شرق و غرب عالم را فراگرفت.

غایة المرام وحجة الخصام فی تعیین الإمام من طریق الخاص والعام، نویسنده: السید هاشم البحرانی،

ج 5، ص 145، الخبر الثالث والعشرون

این روایت همچنین در کتاب «حلیة الأبرار» جلد 3 صفحه 136 نقل شده است. بنده تنها می‌خواهم دو نمونه روایت نقل کنم، البته نه از کتب شیعیان.

این مطلب نه از امثال «حجر بن عدی» نقل شده است که به خاطر دفاع از امیرالمؤمنین، آنها را در بیابان سر بریدند، نه «قنبر» که به دفاع از علی او را مظلومانه قطعه قطعه کردند و نه «میثم تمار» که دست و پای او را بریدند و در بالای دار زبانش را قطع کردند.

«میثم تمار» در چند لحظه‌ای که از عمرش باقی مانده بود، شروع به سخن گفتن از امیرالمؤمنین کرد و گفت: ای مردم! در این چند لحظه‌ای که از عمرم باقی است، بیاید مطالبی برایتان بگویم. من از علی مطالب زیادی در رابطه با فتنه‌ها دارم.

مأموران حکومتی به «عبیدالله بن زیاد» گفتند: اگر «میثم تمار» به سخنرانی‌اش ادامه دهد، مردم کوفه علیه تو قیام می‌کنند. «عبیدالله بن زیاد» دستور داد زبان «میثم» را در بالای دار قطع کردند.

عزیزان این نکته را هم عرض کنم که به تعبیر یکی از اعظام، این مذهب به سادگی به دست ما نرسیده است، بلکه از میان شکنجه و خون به دست ما رسیده است.

من نمی‌خواهم از آنچه شیعه در طول تاریخ متحمل زجر و شکنجه و آوارگی شده است سخن بگویم، بلکه می‌خواهم دو نکته از علمای بزرگ اهل سنت نقل کنم.

مشاهده کنید حتی بزرگان اهل سنت که از وقایع و فضائل علی بن ابی طالب باخبر بودند، در چه موقعیت و تحت چه فشار و شکنجه‌ای بودند.

آقای «ذهبی» که یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت و متوفای 744 هجری است، کتابی به نام «تذکره الحفاظ» دارد. ایشان در رابطه با «ابن سقاء» می‌گویند: او یکی از ائمه ما اهل سنت است.

ایشان در این کتاب نقل می‌کند که «ابن سقاء» بالای منبر رفت و از فضائل علی بن ابی طالب سخن گفت. او حدیث طیر را مطرح کرد. حتماً عزیزان شنیده‌اند که برای رسول گرامی اسلام مرغ بریانی آوردند. پیغمبر اکرم فرمود:

«أَتَيْتَنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَا كُلُّ مَعِيَ هَذَا الطَّيْرُ»

خدایا محبوب‌ترین انسان‌ها را برسان که در این مرغ بریان با من هم غذا شود.

«فَجَاءَ عَلِيٌّ فَأَكَلَ مَعَهُ»

علی آمد و غذا را با پیامبر میل فرمود.

الجامع الصحيح سنن الترمذي؛ اسم المؤلف: محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذي السلمي الوفاة: 279،

دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت - ، تحقيق: أحمد محمد شاكر وآخرون، ج 5، ص 636، ح

3721

هیچ فردی جز علی بن ابی طالب برای هم غذا شدن با رسول گرامی اسلام نیامد. این روایت هم از روایاتی است که به تواتر شیعه و سنی آن را نقل کرده‌اند.

ذهبی می نویسد: آقای «ابن سقاء» این روایت را بالای منبر گفت؛

«فلم تحتمله نفوسهم فوثبوا به واقاموه وغسلوا موضعه»

مردم بر سر او ریختند، او را از منبر پایین کشیدند و منبر را آب کشیدند.

تذكرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية -

بيروت، الطبعة: الأولى، ج 3، ص 966، ح 906

معتقد بودند منبری که در او فضائل علی بن ابی طالب گفته شود، نجس می‌شود و باید آب کشیده شود!!

از اینجا پی توان بردن *** که در دریا چه طوفان است

نکته دوم این است که بازهم آقای «ذهبی» در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد 3 صفحه 489 شرح حال یکی از

بزرگان به نام «عبدالله شداد» را نقل می‌کند که از روات صحاح سته است. «ذهبی» می‌گوید: شکی در وثاقت او

نیست و وثاقت او مجمع علیه است.

من از فضایی که شرف حضور دارند، تقاضا می‌کنم به این عبارت خوب دقت کنند. «ذهبی» در شرح حال

«عبدالله شداد» می‌نویسد که او گفت:

«وددت أنى قمت على المنبر من غدوة إلى الظهر فأذكر فضائل على بن أبى طالب رضى الله عنه ثم أنزل

فيضرب عنقى»

دوست دارم بعد از نماز صبح تا ظهر بالای منبر بروم و فضائل علی بن ابی طالب را بگویم، سپس از

منبر پایین بیایم و گردنم را بزنند.

سير أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر:

مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسى،

ج 3، ص 489، باب عبد الله بن شداد ع

«عبدالله بن شداد» می‌گوید: من حاضرم چهار، پنج ساعت بالای منبر بروم و فضائل علی را بگویم، سپس مرا از

منبر پایین بیاورند و گردنم را بزنند!!

به نظر بنده فضائلی که امروزه از منابع شیعه و سنی به دست ما رسیده است جز معجزه اهل بیت چیز دیگری

نیست.

شرح حال «مرحوم شیخ مفید» متوفای 413 هجری را ملاحظه کنید. متعصبین به خانه او ریختند و

کتابخانه‌اش را آتش زدند و به خاکستر مبدل کردند.

همچنین به منزل شاگرد ایشان «سید مرتضی» متوفای 435 هجری هجوم بردند و تمامی کتاب‌های او را به

خاکستر مبدل کردند.

متعصبین به منزل «شیخ طوسی» متوفای 460 هجری در بغداد هجوم بردند و کتابخانه او را به آتش

کشیدند. بنا به نقلی هفده هزار کتاب خطی نفیس شیعه در کتابخانه ایشان بود. افراد کتابخانه او را آتش

زدند و به خاکستر مبدل کردند.

بعد از آن ماجرا «شیخ طوسی» از بغداد به نجف منتقل شد و حوزه علمیه نجف را پایه گذاری کرد.

با تمام این احوالات مشاهده کنید کتب شیعه مملو از فضائل اهل بیت است. علی القاعده با این هجمه‌ای که به شیعه وارد شده است، نباید از فضائل و مناقب و حتی احکامی که از ائمه اطهار به ما رسیده است کوچکترین اثر و خبری باشد.

ما می‌بینیم به تعبیر «امام شافعی» دوستان علی بن ابی طالب از روی ترس و دشمنانش از روی حسد فضائل امیرالمؤمنین را مخفی کردند، اما با تمام این احوالات فضائل علی شرق و غرب عالم را فراگرفت.

جالب اینجاست که بنده می‌خواهم یکی دو مورد از فضائل امیرالمؤمنین به صورت مستند عرض کنم.

دوستانی که بحث‌های بنده را دیدند، می‌دانند که من تلاش می‌کنم مطلبی که سند نداشته باشد را نقل نکنم. همچنین اگر سند یک مطلب در ذهنم نباشد، در چنین جمعی مطرح نمی‌کنم. مشهور است که روایت بی سند همانند خانه و ماشین بدون سند است و ارزشی ندارد.

خدمتی از «احمد بن حنبل» به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

آقای «احمد بن حنبل» متوفای 241 هجری رئیس مذهب حنابله روایتی را در کتاب «مسند» خود نقل کرده است.

ایشان در کتاب «مسند» خود نزدیک به سی هزار روایت نقل کرده است. بنده به عنوان یک شیعه از «احمد بن حنبل» امام اهل سنت تشکر می‌کنم، زیرا بسیاری از روایاتی را که قبل از او از روی ترس یا حسد نقل نکرده‌اند، ایشان این روایات را نقل کرده است.

مشاهده کنید روایات مربوط به مهدویت، ولایت حضرت ولی عصر، مقدمات و علائم ظهور حضرت بقیه الله الأعظم، کیفیت ظهور و حکومت حضرت صاحب الزمان اولین بار به صورت مبسوط توسط «احمد بن حنبل» نقل شده است.

«احمد بن حنبل» در عصری زندگی می‌کرد که امیرالمؤمنین را به عنوان خلیفه چهارم قبول نداشتند. این عبارت مشهور است و حتی «ابن تیمیه» هم نقل کرده است:

«من لم یربع بعلی فی الخلافة فهو أضل من حمار أهله»

هرکسی علی را به عنوان خلیفه چهارم نشمارد، از الاغ طولیه‌اش گمراه‌تر است.

منهاج السنة النبویة، اسم المؤلف: أحمد بن عبد الحليم بن تيمية الحراني أبو العباس، دار النشر: مؤسسة قرطبة - 1406، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. محمد رشاد سالم، ج 4، ص 402، فصل قال

الرافضي مع أن رسول الله لعن معاوية الطليق بن الطليق اللعين

عزیزان می‌دانند که دوران بنی امیه بر شیعه خیلی سخت گذشت. «زمخشری» در کتاب «ربیع الأبرار» می‌نویسد: بر بالای هفتاد هزار منبر امیرالمؤمنین را سب و لعن می‌کردند.

«مسلم» متوفای 261 هجری در کتاب «صحیح» حدیث 2404 می‌نویسد که وقتی معاویه به مدینه می‌آید؛

«أَمَرَ مُعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ سَعْدًا فَقَالَ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسُبَّ أَبَا التُّرَابِ»

معاویه بن ابی سفیان سعد بن ابی وقاص را خواند و به او گفت: چرا به علی بن ابی طالب ناسزا نمی‌دهی؟

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج 4، ص 1871، ح 2404

مشاهده کنید ناسزا نگفتن به امیرالمؤمنین جرم محسوب می‌شد و باید «سعد بن أبی وقاص» در جمع مردم محاکمه شود!! قضیه لعن علی بن أبی طالب به قضیه‌ای تبدیل شده بود که در جمع مردم یک مسئله عادی بود.

وقتی خداوند قدرت خود را در دفاع از امیرالمؤمنین نشان می‌دهد!

بنده الآن جمله‌ای به ذهنم رسید. «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» در جلد 3 روایتی نقل می‌کند و می‌گوید: روایت صحیح است و شرایط «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» را دارد. ایشان از قول «قیس بن أبی حازم» نقل می‌کند که با «سعد بن أبی وقاص» می‌رفتیم که دیدیم جمعیتی جمع شده‌اند.

بنده تقاضا دارم عزیزان ما به این روایت خوب دقت کنند، زیرا هم وضعیت آن عصر روشن می‌شود و هم موقعیت علی بن أبی طالب روشن می‌شود.

«فوقف علیهم فقال ما هذا»

سعد بن أبی وقاص آمد و گفت: چه خبر است؟

«فقالوا رجل یشتم علی بن أبی طالب»

گفتند: مردی در اینجا به علی بن أبی طالب ناسزا می‌گوید.

بمیرم بر مظلومیت امیرالمؤمنین!! به تعبیر «علامه امینی» اگر خدا به انسان از اول خلقت تا آخر خلقت عمر بدهد و در طول عمر خود در مظلومیت امیرالمؤمنین گریه کند، بازهم کوتاهی کرده است.

«فقال یا هذا علی ما تشتم علی بن أبی طالب»

سعد بن أبی وقاص جلو آمد و گفت: مردک! چرا به علی بن أبی طالب ناسزا می گویی؟!

«ألم یکن أول من أسلم»

آیا علی اولین مسلمان نیست؟

«ألم یکن أول من صلی مع رسول الله»

آیا علی اولین کسی نبود که با پیغمبر اکرم نماز خواند؟

«ألم یکن أزهد الناس»

آیا علی زاهدترین انسانها نیست؟

«ألم یکن أعلم الناس»

آیا علی اعلمترین مردم نیست؟

«وذكر حتى قال ألم یکن ختن رسول الله علی ابنته»

او مطالبی ذکر کرد تا جایی که گفت: آیا علی داماد رسول الله نیست؟

«ألم یکن صاحب رایة رسول الله فی غزواته»

آیا علی صاحب پرچم پیغمبر اکرم در جنگها نیست؟

«ثم استقبل القبلة ورفع یدیه وقال»

سعد سپس رو به طرف قبله ایستاد و دستانش را بلند کرد و گفت:

«اللهم إن هذا یشتم ولیا من أولیائک فلا تفرق هذا الجمع حتی تریهم قدرتك»

خدایا این مرد یک ولی از اولیاء تو را ناسزا می‌گوید. خدایا این جمع متفرق نشود، مگر اینکه قبل از متفرق شدن قدرت تو را ببینند.

«قال قیس فوالله ما تفرقنا حتی ساخت به دابته فرمته علی هامته فی تلك الأحجار فانفلق دماغه ومات»

قیس بن أبی حازم می‌گوید: به خدا سوگند ما هنوز متفرق نشده بودیم که اسبی که این شخص بر روی آن ایستاده بود رم کرد و او را بر سنگ‌ها کوبید به طوری که مغزش از دماغش بیرون آمد و هلاک شد.

«هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین ولم یخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج 3، ص 571، ح 6121

«ذهبی» معمولاً وقتی به فضائل علی بن أبی طالب می‌رسد تا می‌تواند به آن اشکال سندی و دلالی می‌کند و اگر نتوانست اشکال بگیرد، می‌گوید:

«یشهد القلب أنه باطل»

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبي، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1995، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد عبدالموجود؛ ج 1، ص 213

«ذهبی» با چنین اوصافی در کتاب «میزان الاعتدال» جلد اول صفحه 82 این روایت را نقل می‌کند و می‌گوید: روایت صحیح است. این روایت نشانگر موقعیت جامعه نسبت به امیرالمؤمنین بود. مردم کرامات و معجزات را می‌دیدند، اما متنبه و بیدار نمی‌شدند.

گریه «علامه امینی» از نقل این روایت عجیب!

تعبیری به ذهنم آمده است که نمی‌دانم بیان کنم یا خیر. خدا می‌داند الآن که می‌خواهم این عبارت را نقل کنم، بدنم می‌لرزد و از بی بی خجالت می‌کشم.

«علامه امینی» در شیراز وقتی بالای منبر بود، این روایت را خواند و شروع به گریه کرد به طوری که حالت غش به ایشان دست داد. کلیپ این قضیه هم در فضای مجازی موجود است.

«ابن ابی الحدید» در کتاب «شرح نهج البلاغه» جلد چهارم صفحه 56 نقل می‌کند و می‌نویسد: معاویه بالای منبر رفت. بنده از ترجمه این عبارت معذورم. معاویه بالای منبر رفت و گفت:

«اللهم إن أبا تراب ألحد في دينك، وصد عن سبيلك فالعنه لعناً وبيلاً، وعذبه عذاباً أليماً»

شرح نهج البلاغه، اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد المدائني، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - 1418 هـ - 1998 م، الطبعة: الأولى، تحقيق:

محمد عبد الكريم النمري، ج 4، ص 33

او سپس بخشنامه‌ای به تمام مناطق نوشت که عین این عبارت را در خطبه‌های نماز جمعه و بالای منابر بگویید!!

مشاهده کنید وضعیت چطور بود. با تمام این احوالات ما می‌بینیم فضائل امیرالمؤمنین شرق و غرب عالم را پر کرده است.

غبطه «عمر بن خطاب» به عظمت وجودی امیرالمؤمنین (سلام الله علیه)

«حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد 3 صفحه 135 از قول خلیفه دوم روایتی نقل می‌کند که خیلی جالب است. ایشان می‌نویسد:

«لقد أعطی علی بن أبی طالب ثلاث خصال لأن تكون لی خصلة منها أحب إلی من أن أعطی حمر
النعم»

سه فضیلت در وجود علی بن أبی طالب هست که اگر یکی از آنها در من بود از تمام ثروت روی زمین
نزد من باارزش‌تر بود.

«قیل وما هن یا أمیر المؤمنین»

اطرافیان گفتند: یا امیرالمؤمنین این سه خصلت کدام است؟

«قال تزوجه فاطمة بنت رسول الله»

عمر گفت: این که همسری همانند حضرت فاطمه زهرا دختر رسول الله دارد.

«وسکناه المسجد مع رسول الله یحل له فیه ما یحل له»

سکونت با رسول خدا در مسجد زمانی که همه درها به مسجد بسته بود.

«والرایة یوم خیبر»

و پرچم داری در جنگ خیبر.

«هذا حدیث صحیح الإسناد ولم یخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:
دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج
3، ص 135، ح 4632

در جنگ خیبر، اولی و دومی شکست خوردند. پیغمبر اکرم فرمود: فردا پرچم را به دست کسی می‌دهم که خدا
و رسول او را دوست دارند و او هم خدا و رسول را دوست دارد. پیغمبر اکرم فردا پرچم را به دست علی بن ابی
طالب داد.

عبارت دیگری هم از قول «خوارزمی» نقل شده است، همو که «ذهبی» می‌گوید: «خوارزمی» از ائمه ما و
خطیب بی نظیر و مقبول عند الكل است.

«خوارزمی» کتابی به نام «مناقب» دارد که در صفحه 81 حدیث 65 از قول خلیفه دوم روایتی نقل می‌کند.
بنده می‌خواهم خدمت عزیزان و بی بی دو عالم حضرت فاطمه معصومه نکاتی را عرض کنم که ظریف‌ترین
عبارت‌هاست. خلیفه دوم می‌گوید:

«عجزت النساء أن تلدن مثل علی بن ابی طالب»

زن‌های روزگار از به دنیا آوردن فرزندی همانند علی بن ابی طالب عاجز هستند.

«لولا علی لهلك عمر»

اگر علی نبود، عمر به هلاکت رسیده بود.

المناقب، نویسنده: الموفق الخوارزمی، وفات: 568، تحقیق: الشیخ مالک المحمودی - مؤسسة سید
الشهداء (ع)، چاپ: الثانية، سال چاپ: ربيع الثاني 1414، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامی، ناشر:
مؤسسة النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ص 81، ح 65

از این بهتر و واضح‌تر؟! روایت بعد بازهم از قول «حاکم نیشابوری» است. ایشان در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد 3 صفحه 134 می‌نویسد:

«علی مع القرآن والقرآن مع علی لن یتفرقا حتی یردا علی الحوض»

علی با قرآن است و قرآن با علی است و این دو تا کنار حوض کوثر از همدیگر جدا نمی‌شوند.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج 3، ص 134، ح 4628

بنده عرض کردم یکی از بزرگترین معجزات و کرامات اهلبیت این است که با وجود فشار و اختناق و استبداد و زجر و شکنجه می‌بینیم این روایات به دست ما رسیده و فضائل امیرالمؤمنین شرق و غرب عالم را فراگرفته است.

گفتگوی علمی با یک جوان وهابی در کنار خانه خدا

یکی از بحث‌هایی که مطرح است، قضیه ولادت امیرالمؤمنین در کعبه است. بنده روزی کنار بیت الله الحرام مشغول طواف بودم که دیدم کسی دست روی شانه من گذاشت.

بنده از دوران کودکی آرزو داشتم که یک روز سیزده رجب کنار بیت الله الحرام باشم. آرزو بر جوانان عیب نیست! خداوند عالم قسمت کرد و دو مرتبه شب سیزده رجب در مکه بودم.

دوستان جای همه شما خالی است. شب سیزده رجب بیت الله الحرام اصلاً رنگ و بوی دیگری دارد. بعد از آنکه نماز عشاء تمام شد، شیعیان از ایران و کویت و بحرین و پاکستان دسته دسته گز و شکلات و شیرینی پخش می‌کنند.

بعضی افراد چندین کارتن شیرینی در دست دارند به طوری که با زحمت جلو را نگاه می‌کنند. آن‌ها این شیرینی‌ها را کنار بیت الله الحرام میان مردم توزیع می‌کنند.

تعدادی هم در برابر رکن یمانی همان جایی که حضرت فاطمه بنت اسد مادر حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) درد زایمان گرفت ایستاده‌اند. آن‌ها به روضه خوان و مداح احتیاج ندارند همینطور نگاه می‌کنند و قطرات اشکشان همانند ابر بهار جاری است.

ان شاءالله از بی بی حضرت فاطمه معصومه بخواهید تا خداوند عالم قسمتتان کند یک بار شب سیزدهم رجب مکه باشید. به تعبیر «شهید مطهری» این لحظات گفتنی و شنیدنی نیست، بلکه دیدنی است!!

زمانی که بنده مشغول طواف بودم، شخصی دست روی کتف من گذاشت و گفت: «ما هذه الخرافات التي تعتقدون بأن علي بن أبي طالب ولد في جوف الكعبة»؛ این خرافات چیست که شما معتقدید علی بن ابی طالب درون کعبه متولد شده است!؟

بنده گفتم: آیا اینها خرافات است؟! او گفت: بله. من گفتم: آیا «حاکم نیشابوری» را می‌شناسی؟! او گفت: بله، متوفای 405 هجری است و یکی از علمای ماست.

بنده گفتم: آیا با کتاب «مستدرک علی الصحیحین» آشنا هستی؟! او گفت: بله، این کتاب در دانشگاه‌های ما تدریس می‌شود. بنده گفتم: جلد سوم صفحه 550 را مطالعه کنید. «حاکم نیشابوری» می‌گوید:

«فقد تواترت الأخبار»

روایات متواتر به منزله آیه قرآن است و هرکسی حدیث متواتر را انکار کند کافر است. «ابن تیمیه حرانی» لیدر وهابیت در کتاب «مجموع الفتاوی» می‌نویسد:

«وَأَمَّا مَنْ أَنْكَرَ مَا تَبَّتْ بِالتَّوَاتُرِ وَالْإِجْمَاعِ فَهُوَ كَافِرٌ»

کتاب و رسائل و فتاویٰ شیخ الإسلام ابن تیمیة، اسم المؤلف: أحمد عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی أبو العباس، دار النشر: مكتبة ابن تیمیة، الطبعة: الثانية، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدي؛ ج 1، ص 109

بنده به این شخص گفتم که «حاکم نیشابوری» می نویسد:

«فقد تواترت الأخبار أن فاطمة بنت أسد ولدت أمير المؤمنين علي بن أبي طالب كرم الله وجهه في جوف الكعبة»

روایات متواتر داریم که فاطمه بنت اسد امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب را در درون کعبه به دنیا آورده است.

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج 3، ص 550، ح 6044

وقتی من با قاطعیت این روایت را گفتم، این شخص سرش را پایین انداخت و گفت: بیایید به گوشه‌ای برویم و با هم صحبت کنیم.

ما حدود پنج شش ساعت با همدیگر صحبت کردیم به طوری که ده دوازده نفر از دانشجویان دانشگاه أم القرى که جزو هیئت امر به معروف و نهی از منکر هستند، همراه ما بودند و ما هم مطالبی گفتیم.

یکی از این دانشجویان گفت: ما شما را مشرک می دانیم، اما به وجود رهبران شما افتخار می کنیم. رهبران ما با سران آمریکا شراب می خورند و به این کار افتخار می کنند، اما رهبران شما می گویند که آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند!!

بنده این جمله را ضبط و پیاده کردم و فردای آن روز خدمت آیت الله ری شهری که در آن زمان آنجا بودند، گزارش دادم.

خیلی برای من جالب بود. ایشان گفت: اگر یک روز خدمت مقام معظم رهبری رسیدید، از قول ما به ایشان سلام برسانید و بگویید ما به وجود شما و شهامت شما در برابر استکبار جهانی افتخار می‌کنیم.

جوانان وهابی چنین عقایدی دارند، حال بعضی از نوچه‌های وهابی صفت در داخل کشور در گوشه و کنار واق واق می‌کنند و نسبت به ولی فقیه جسارت می‌کنند. این افراد حرف‌هایی بیان می‌کنند که انسان واقعاً شرم دارد آنها را بیان کند.

بنده بیش از این صحبت را طولانی نکنم، زیرا هم برنامه زنده داریم و هم فرصت ما به پایان رسیده است. برنامه بعد هم هست و ان شاء الله عزیزان استفاده می‌کنند. بنده تنها چند دعا می‌کنم.

خدایا تو را به مولود کعبه سوگند می‌دهیم فرج فرزند مولود کعبه حضرت صاحب الزمان را نزدیک بگردان. خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار و شهدای رکابش قرار بده. خدایا انقلاب ما را به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما.

خدایا خدمتگزاران به اسلام و قرآن و اهل بیت بالاخص مقام معظم رهبری را موفق و مؤید بدار. خدایا رفع گرفتاری از همه ما بفرما. خدایا حوائج ما برآورده نما. خدایا دعا‌های ما را به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، شهداء، صدیقین، صالحین بالاخص امام راحل و دو یادگارش صلواتی ختم بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته